یادداشت

وقتی شاکی متهم می‌شود

نعمت احمدی*

یکی از سئوالات مهم افراد عادی از حقوقدانان این است که اگر من علیه کسی شکایت با عنوان کیفری طرح کردم و این اتهام در دادسرا یا دادگاه به اثبات نرسید آیا طرف مقابل می تواند مرا مورد تعقیب کیفری قرار داده و به اتهام مفتری تحت تعقیب قرار دهد. به دیگر سخن آیا شاکی پرونده‌های کیفری مانند خیانت در امانت، سرقت یا کلاهبرداری و امثالهم زمانی که نتواند در دادسرا یا دادگاه ادعای خود را به اثبات برساند مشتکی عنه یعنی کسی که طرف شکایت واقع شده شکایت اولیه کافی است تا مشتکی عنهی که اتهام وی به اثبات نرسیده است تحت عنوان مفتری شکایت جدیدی مطرح کند.

فصل بیست وهشتم از قانون مجازات اسلامی تحت عنوان افترا و توهین و هتک حرمت ذیل مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰ به مصادیق افترا، توهین و هتک حرمت پرداخته. ماده ۶۹۷ مقرر می‌دارد: هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگری امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد همچنین برابر تبصره این ماده مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۷ به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول اعمالی که فرد به دیگری به طرقی که در ماده آمده است، اموری که مطابق قانون جرم است، را به فردی نسبت دهد. این رکن مادی عنصر جرم است. بخش دوم ماده عدم توان اثبات موضوع را می رساند و طبیعی است که مرجع اثبات دادگاه است. بدین توضیح که فرد ادعای خود را از طریق دادگاه مطرح می کند. در این وصف دادگاه با بررسی ادعای مدعی عدم اثبات آن را به فرد احراز می کند. بدیهی است این فرد قابل تعقیب نیست زیرا جرم افترا هم همانند سایر جرایم تعریف شده در قانون باید عناصر تشکیل دهنده خود را همراه داشته باشد و عمده عناصر متشکله جرم، سوءنیت و نیز عنصر معنوی جرم است. در این قضیه فرد شاکی نتوانسته است در مرجع قضایی دلایل خود را اثبات کند. باید پذیرفت اگر چنین شکاتی را قابل تعقیب بدانیم به اصل مهم مراجعه مردم به دادگستری و احقاق حق لطمه و خدشه وارد آورده‌ایم و یا اینکه راه شکایت را بر مردم به بهانه ترس از شکایت بعدی بسته‌ایم. البته وجود عقاید مختلف در دادگستری و در پیش گرفتن رویه‌های مختلف و صدور احکام متناقض هم باعث شد که بسیاری از افراد فکر کنند در صورتی که شکایت آنان به نتیجه نرسید دست طرف مقابل به عنوان شاکی به عنوان مفتری باز است و چه‌بسا افراد از ترس تعقیب از حق طبیعی خود گذشت نمودند. همین موضوع در سال ۱۳۸۱ به صورت سئوال از اداره حقوقی قوه‌قضائیه به شرح زیر مطرح و نظریه اعلامی با تعمق و وسعت نظر حقوقی بیان گردید. سئوال: آیا می توان کسی را که به عنوان خیانت در امانت یا سرقت شکایت کرده شکایت وی به اثبات نرسیده است به عنوان مفتری تحت تعقیب قرار داد؟ اداره حقوقی در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۷ نظریه‌ای به شماره ۸۹۷۸/۳۰ صادر کرد از که نظریات قابل توجه مستدل اداره حقوقی قوه‌قضاییه است.

بر حسب مفاد مواد ۶۹۷، ۶۹۸ و ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ اگر شاکی در مقام احقاق حق و رفع ظلم از خود علیه کسی شکایت کند و عملی یا امری را صریحاً به او نسبت دهد که قانوناً جرم است ولی نتواند صحت این اسناد را به اثبات برساند به عنوان مفتری قابل تعقیب و مجازات نیست زیرا در جرم افترا نیز مثل سایر جرایم عمدی از جمله عناصر متشکله جرم سوءنیت یا عنصر معنوی آن است، در اعلام شاکی ستمدیده، عنصر معنوی جرم افترا وجود ندارد و فقط نتوانسته است دلیل محکمه پسند به مقامات قضایی ارائه کند. به علاوه مفتری لغتاً و اصطلاحاً به کسی اطلاق می شود که با دروغ و صحنه سازی به منظور هتک حرمت و حیثیت دیگری نسبت خلاف واقع به او بدهد. مضافاً شاکی و متضرر از ستم شرعاً و قانوناً شخصاً مجاز به انتقام شخصی نیست و راهی جز اعلام شکایت به مراجع صالحه نخواهد داشت و از طرفی به دور از عدالت است به جای رفع ظلم، شاکی را به عنوان مفتری کیفر دهیم و از ظالم و مجرم حمایت کنیم البته اگر کسی به منظور اضرار به غیراکاذیبی به وی نسبت دهد و قادر به اثبات آن نباشد به عنوان مفتری قابل تعقیب است و عنوان ورقه خطی یا شکواییه مذکور در مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به شکایت چنین شاکی صادق خواهد بود. ملاحظه می شود که نظر غالب جامعه حقوقی این است که صرف شکایت هر چند ثابت نگردد نمی توان شاکی را به عنوان مفتری تحت تعقیب قرار داد زیرا توسل به قانون هر چند مواجهه با عدم اثبات ادعای شاکی باشد سوءنیت مستتر در قانون را در پی ندارد بلکه عدم توان اثبات ادعا را بدون سوءنیت می رساند.

***وکیل پایه یک دادگستری**

ارائه خدمات حقوقی

شرق: در راستای توسعه و ترویج اخلاق و حقوق شهروندی و بالا بردن سطح فرهنگ و معلومات حقوقی شهروندان به ویژه در زمینه های خانوادگی، توافقنامه‌ای میان فرهنگسرای قانون و مرکز پاسخگویی، توانمندسازی و خدمات الکترونیک قوه قضائیه (۱۲۹) به امضا رسید. به گزارش مرکز پاسخگویی، توانمندسازی و خدمات الکترونیک قوه قضائیه در این توافقنامه ارائه خدمات حقوقی و برگزاری کارگاه‌های آموزش حقوق خانواده و آموزش های پیشگیری از نابهنجاری های اجتماعی پیش بینی شده است.

ضرورت تسریع در تصویب قانون مبارزه با پولشویی

حقوق اقتصادی

عبدالله خاتمی فر: یکی از جذاب ترین واسطه های پولشویی بانک ها و موسسات مالی هستند که از راه های مختلف درصدد جذب پول و منابع مالی هستند.

علی احمدی کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی که در بیست و هشتمین نشست تازه های علوم جنایی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی سخن می گفت با بیان مطلب فوق به پدیدار شدن پولشویی در کنار جرائم سازمان یافته اشاره کرد و افزود: «تزاحم ذاتی بین بانک ها و موسسات مالی با رهنمودهای «کمیته امور بانکی و شیوه های نظارتی بازل» و گروه مالی و کاری FATF به عنوان دو نهاد برجسته در مقابله با پولشویی وجود دارد چرا که هدف اصلی بانک ها و موسسات مالی دسترسی به منابع

مالی و محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به حساب مشتریان است که دو نهاد یاد شده تلاش کرده اند تا در دستورالعمل های خود این تعارض برطرف شود.»

احمدی گفت: «ایران هم رهنمودهای دو نهاد مذکور را با ملاحظات و ضرورت های بین المللی و نیازهای داخلی با استناد به اختیارات حاصله از بند ۸ و ۱۰ ماده ۱۴ و بند ج ماده ۳۳ قانون پولی و بانکی در قالب مصوبه‌ای به منظور «پیشگیری از پولشویی» در نهصد و هشتاد و هفتمین جلسه شورای پول و اعتبار در سال ۱۳۸۱ به تصویب رساند که اجرای آن از سال ۱۳۸۳ آغاز شد.» وی علت تاخیر در اجرای مصوبه مذکور را در فاصله سال های ۸۱ تا ۸۳، برگزاری دوره های آموزشی برای بومی سازی اقدامات مربوط به پولشویی و بیان مفهوم و مصادیق آن به مدیران و کارکنان بانک ها اعلام کرد.

احمدی گفت: «حسن شهرت که بر مبنای ریسک شهرت به ویژه در خدمات بانکی و اقتصادی مشهود است ضرورت مبارزه با پولشویی را دوچندان می سازد که یکی از پیش نیازهای آن مقررات مربوط به پولشویی است. چرا که اعتماد دیگر کشورها را برای مبادلات مالی با بانک ها و موسسات مالی ایران جلب می کند.» سخنران با بیان اینکه کمیته بازل و گروه کاری و مالی FATF در نشست های خود کشورهای غیرهمکار را معرفی می کنند که این اعلام نظر نرخ ریسک مبادلات مالی و اقتصادی را درباره این کشورها افزایش داده و به اعتبار آنها آسیب می رساند تاکید کرد: «این سختگیری ها نه تنها به زیان بانک ها نیست بلکه به سود آنها است چرا که پول همیشه در بانک نمی ماند و زمانی که عملیات پولشویی انجام شود علاوه بر خروج پول از بانک ها که می تواند به بحران نقدینگی منجر شود، مخارج این اقدامات نیز به آنها تحمیل می شود. همچنان که شکل گیری یک جریان زیرزمینی و نهان پولی و مالی با اخلال در نظام اقتصادی می تواند به قدرت سیاسی و به تبع آن آزادی های عمومی لطمه وارد کند.»

■ پولشویی در مقررات کنونی

وی به عدم تعریف پولشویی به عنوان جرم در مقررات داخلی کنونی اشاره کرد و گفت: «در این مقررات تعریف پولشویی به عنوان جرم و تعیین مجازات برای آن مورد نظر نبوده است و در واقع رفتاری است که در صورت وقوع آن ارائه خدمات به مشتریانی که چنین رفتاری دارند قطع شده و حساب آنها بسته می شود و در نهایت در صورت کشف جرمی که منشاء پولشویی است موضوع به مراجع قانونی اعلام می شود.»

احمدی پولشویی را مجموعه عملیاتی برای پنهان نگه داشتن اموال حاصل از جرم و عواید ناشی از آن و اقداماتی برای مشروع نشان دادن آن تعریف کرد و افزود: «در ماده یک آئین نامه مصوب شورای پول و اعتبار، پولشویی انجام عملیات بانکی در موسسات مالی برای مقاصدی از جمله تحصیل یا نگهداری یا استفاده از مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است و همچنین معاونت با شخص یا اشخاص دیگر به منظور: ۱- تبدیل یا انتقال مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است با پنهان کردن یا تغییرشکل دادن منشاء غیرقانونی آن مال یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته است به منظور جلوگیری از تعقیب کیفری و ۲- پنهان کردن یا تغییرشکل دادن ماهیت واقعی، منشاء، محل وقوع، جابه جایی یا مالکیت مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده، توصیف شده است.» احمدی گفت: «در تبصره ماده مذکور تامین مالی فعالیت های تروریستی حسب اعلام مراجع ذی ربط مشمول این مقررات اعلام شده است.»

وی با بیان اینکه فرآیند مربوط به پولشویی دارای سه مرحله است در توضیح مرحله اول آن یعنی «جای گذاری» تصریح کرد: «مرتکبان جرائم سازمان یافته ناگزیرند اموال حاصل از جرم را در یک جایی به اصطلاح «جای گذاری» یا «سرمایه گذاری» کنند که این کار از طریق شبکه های مالی در بانک ها از جمله با گشایش حساب انجام می شود.» این کارشناس ارشد حقوق جزا، «لایه گذاری» را مرحله دوم عملیات پولشویی دانست و گفت: «برای جداسازی عواید حاصل از جرم با هدف مبهم سازی زنجیره حسابرسی، حساب های مختلف و یا به اصطلاح حساب های زنجیره‌ای یا متصل گشایش یافته و از روش های متنوع دیگر نیز اقدام می شود.» وی «درآمیزی یا یکسان سازی» را مرحله سوم پولشویی و تحقق آن را موکول به موفقیت مرحله اول و دوم دانست و افزود: «با ورود پول و تطهیر آن در شبکه های رسمی مالی مشروعیت می یابد و نمی توان آن را به عنوان پول کثیف شناسایی کرد که ممکن است برای سرمایه گذاری یا هر هدف دیگری استفاده شود.»

■ عدم تصویب نهایی لایحه مبارزه با پولشویی

سخنران از عدم تصویب نهایی لایحه مبارزه با پولشویی به عنوان مهمترین معضل در پیشگیری از این پدیده یاد کرد و با اشاره به پیوستن مشروط ایران به کنوانسیون وین گفت: «عدم تصویب لایحه مبارزه با پولشویی به معنای مباح دانستن آن از سوی دولت و قوه قضائیه نبوده است بلکه تحت عناوین دیگری در حکم کلاهبرداری یا جرائم دیگری به آن پرداخته می شده است.» وی به ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، کلاهبرداری و اختلاس و تصریح آن به اموال نامشروع اشاره کرد و افزود: «ماده ۱۴ آئین نامه اجرایی اصل ۴۹ قانون اساسی نیز به طور دقیق عملیات پولشویی را در حکم کلاهبرداری به عنوان جرم تلقی کرده است.» احمدی طرح موضوع پیشگیری درباره پولشویی پیش از تصویب قانون - دربردارنده جرم و مجازات پیشگیری از آن - را از لحاظ نظری دشوار دانست و آن را در مظان تعارض با موازین حقوقی شناخته شده توصیف کرد. وی توصیف بخشی از عملیات پولشویی توسط شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی را درباره کارکنان بانک ها و موسسات مالی به عنوان رفتار نادرست شغلی و تخلف انتظامی - در صورت کوتاهی آنها در گزارش و اقدام لازم در این باره - یادآور شد و تصریح کرد: «اشکال آئین نامه مصوب شورای پول و اعتبار امکان پذیر ساختن نقض اصل محرمانه بودن اطلاعات حساب های مشتریان پیش از تصویب قوانین مربوطه است. هر چند در واقع حساسیت و اهمیت خطرات و تبعات ناشی از پولشویی در نظام اقتصادی بیشتر از محرمانه بودن حساب های مشتریان است.» این کارشناس ارشد حقوق کیفری بر ضرورت عادلانه بودن پیشگیری از پولشویی همچون اصل عادلانه بودن دادرسی تاکید کرد و گفت: «اصطلاحی مانند عملیات مشکوک مفهومی کشدار است و ممکن است باعث تضییع حقوق اشخاص شود که بانک مرکزی در آموزش های مربوطه با تعیین مواردی از آنچه مصداق عملیات مشکوک است در تعدیل آن کوشیده است.»

احمدی پیشگیری کیفری و غیرکیفری از جرم را یادآورشد و با توجه به عدم جرم انگاری پولشویی، پیشگیری کیفری را در وضعیت کنونی منتفی دانست. وی گفت: «پیشگیری اجتماعی اقداماتی است که برای حذف یا خنثی کردن عوامل موثر بر تکمیل جرم انجام می شود و در هر دو بخش دولتی و غیردولتی قابل اجرا است.» سخنران پیشگیری وضعی یا فنی را در موسسات مالی دارای اهمیت بیشتر و مقررات موجود را ناظر به خود جرم و نه مجرم توصیف کرد و افزود: «با توجه به شیوه های متنوع پولشویی و خطرپذیری آن در نظام بانکی، اقدامات بانک ها و موسسات مالی به تنهایی کفایت نمی کند و مرتکبان پولشویی هم منتظر اجازه و اقدام بانک ها و سیاستگذاری دولت ها نمی مانند.» این حقوقدان با اشاره به شعار کمیته بازل و گروه FATF مبنی بر اینکه «مشتری خود را بشناسید» تاکید کرد: «توصیه های این نهادها به رغم الزام آور نبودن به علت ملاحظات بین المللی و ریسک شهرت توسط بیشتر کشورهای غیرعضو از جمله ایران پذیرفته و اجرا می شود.»

وی موسسات مالی مشمول دستورالعمل شورای پول و اعتبار را بانک های دولتی و غیردولتی، موسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، صرافی های مجاز، صندوق تعاون، صندوق های قرض الحسنه و تعاونی های اعتبار - که در چارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار فعالیت می کنند - برشمرد و آنها را مکلف به اجرای ضوابطی همچون چگونگی احراز هویت مشتریان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی دانست و گفت: «ضمانت اجرای عدم رعایت این مقررات، عدم ارائه خدمات بانکی به مشتری مربوطه و توقیف حساب و گزارش تخلف یا عملیات مشکوک است.» احمدی با انتقاد از شرایط ثبت برخی شرکت های تجاری به ویژه شرکت با مسئولیت محدود، دقت بیشتر در پذیرش درخواست تاسیس این گونه شرکت ها را مورد تاکید قرار داد. احمدی با تصریح بر تنوع روش های احراز حسن شهرت و اعتبار مشتریان توسط بانک ها و موسسات مالی دیگر، معاملات اتفاقی و داد و ستدهای غیرحضوری و الکترونیکی را به علت عدم امکان احراز هویت و ردیابی طرف معامله از جمله روش های مورد استفاده «پولشویان» توصیف کرد و حصول اطمینان از تبعیت کارگزاران مشتریان خارجی از قواعد مبارزه با پولشویی توسط موسسات مالی را ضروری خواند.

این کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی با اشاره به تدوین و اجرای شیوه های بررسی و پیگیری موارد مشکوک به عملیات پولشویی در تمام موسسات مالی، سرعت عمل در رسیدگی به این موارد در مراجع پیش بینی شده را مورد تاکید قرار داد. احمدی با بیان اینکه پرونده های متعددی با موضوع پولشویی در مراجع قانونی تشکیل شده و در حال رسیدگی است گفت: «باید لایحه مبارزه با پولشویی با انجام اصلاحات مورد نیاز در اسرع وقت تصویب و اجرا شود تا زمینه مناسب تری برای شفافیت مناسبات اقتصادی فراهم شود.» وی با اعلام اینکه پولشویی در کنوانسیون پالرمو جرم مستقل تعریف شده است از این پدیده به عنوان جرم اقتصادی و امنیتی یاد کرد و خواستار تشکیل «واحد اطلاعات مالی مستقل» براساس آموزه های کمیته بازل و FATF شد.

خلاصه مطلب

۱- با توجه به شیوه های متنوع پولشویی و خطرپذیری آن در نظام بانکی، اقدامات بانک ها و موسسات مالی به تنهایی کفایت نمی کند و مرتکبان پولشویی هم منتظر اجازه و اقدام بانک ها و سیاستگزاری دولت ها نمی مانند.

۲- پولشویی مجموعه عملیاتی است برای پنهان نگه داشتن اموال حاصل از جرم و عواید ناشی از آن و اقداماتی برای مشروع نشان دادن آن.

۳- معاملات اتفاقی و داد و ستدهای غیرحضوری و الکترونیکی به علت عدم امکان احراز هویت و ردیابی طرف معامله از جمله روش های مورد استفاده «پولشویان» است.

تدریس خصوصی زن خلاف شأن خانواده نیست

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی می گوید: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.» دکتر ناصر کاتوزیان با تصریح به اینکه «منع زن باید از دادگاه خواسته شود»، تاکید می کند که «دادگاه می تواند بر مبنای عادت و رسوم اجتماعی و اخلاقی درباره درستی تصمیم شوهر تصمیم بگیرد.» قضات شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران با رسیدگی به یکی از پرونده‌های دادگاه خانواده ـ که دادنامه آن با اعتراض طرف متضرر از حکم صادره مواجه شده است ـ رای جالبی صادر کرده‌اند که به همراه حکم اول می خوانید.

■ رای دادگاه بدوی

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای ب به طرفیت همسرشان خانم الف به خواسته صدور حکم منع اشتغال خوانده به تدریس در کلاس های خصوصی (زبان انگلیسی) توجهاً به اوراق و محتویات پرونده دادخواست تقدیمی و اظهارات خواهان و اینکه خوانده در لایحه دفاعیه دفاع موثری معمول نداشته و ادامه شغل در فرض مذکور استنباط دادگاه اینکه با مصالح خانوادگی خواهان منافات داشته و موجب تشدید اختلاف موجود طرفین خواهد بود به مصلحت نبوده استناداً به ماده ۱۱۱۷ از قانون مدنی حکم منع اشتغال خوانده را در شرایط موجود صادر و اعلام می نماید. النهایه در صورت موافقت خواهان بلامانع خواهد بود. رای صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد. /م

■ ■ ■

■ رای شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر

موضوع پرونده شماره ۱۵۹۶/۸۴ این دادگاه تجدیدنظرخواهی خانم الف به طرفیت آقای ب نسبت به دادنامه شماره ۱ شعبه دادگاه عمومی خانواده تهران می باشد. اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: همه افراد ملت از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند و اصل بیست و هشتم نیز حاکی است: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند... حسب این اصول قانونی، اصل بر این است که تمامی افراد ملت، خواه زن و خواه مرد مجاز هستند به مشاغلی که بلامانع اند بپردازند و شخصی که مدعی است شغل فرد دیگری مغایر موازین شرعی و یا مصالح عمومی و یا حقوقی وی می باشد باید آن را به اثبات برساند. از این رو زوج برای استفاده از حق مندرج در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی تکلیف دارد ثابت نماید: ۱ ـ همسرش به حرفه یا صنعتی اشتغال دارد ۲ ـ شغل یا کار همسر منافی مصالح خانوادگی یا منافی با حیثیت و اعتبار خود یا همسرش می باشد. در پرونده بدوی صرف‌نظر از آنکه به دلالت دادنامه‌های شماره ۲ دادگاه عمومی خانواده تهران، شماره ۳ دادگاه عمومی خانواده تهران، شماره ۴ دادگاه عمومی جزایی تهران و شماره ۵ دادگاه عمومی خانواده تهران وجود اختلاف بین زوجین ثابت است و زوج به لحاظ ایراد صدمه بدنی و ترک انفاق زوجه محکومیت یافته است و بنا به همین موارد نیز زوجه برای امرار معاش نیازمند شغل و حرفه‌ای آبرومند است. نظر به اینکه به‌رغم انکار همسر به داشتن شغل و کار، زوج نه دلیل و مستندی بر اشتغال همسرش ارائه داده است و نه ثابت کرده است که تدریس غیرمستمر همسرش در منزل خود (نه منزل مشترک) منافی مصالح خانوادگی وی و یا مغایر حیثیت و اعتبار وی یا همسرش می باشد و به نظر می رسد عقلی و عدلی آن می باشد که زوج برای استفاده از حق مندرج در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی خود می بایست به تکالیف مندرج در مواد ۱۱۰۳ (حسن معاشرت) ۱۱۰۶ (پرداخت نفقه) و ۱۱۱۴ (تهیه مسکن مناسب) اقدام نموده و سپس مبادرت به استفاده از امتیاز قانونی ماده مرقوم نماید که این اصول و موازین در انشای رای بدوی لحاظ نشده است. لذا مستند به مواد ۳۴۸ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ ضمن نقض دادنامه مورد اعتراض در مورد دادخواست نخستین آقای ب به طرفیت خانم الف به خواسته رسیدگی و صدور حکم بر منع اشتغال خوانده، بنا به جهات یاد شده دعوا غیرثابت تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می شود. این رای قطعی است.

رئیس شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران وکیلیان
مستشاران دادگاه، صارمی، دیوسالار

رأی

فسخ نکاح، طلاق و پرداخت مهریه

عبدالله سمامی: قانون مدنی از ماده ۱۱۲۱ الی ۱۱۳۲ به فسخ نکاح تخصیص داده شده است و عیوب مرد و زن که حق فسخ نکاح برای طرفین ایجاد می کند، کاملاً عنوان شده است. اما موضوعی که بسیار اهمیت دارد «تکلیف مهریه» در فسخ نکاح و افتراق آن با طلاق است. مثلاً: مردی با زنی ازدواج می کند بعد متوجه عدم بکارت زوجه می شود، یا مورد دیگر، مردی در زمان ازدواج زوجه‌ای را انتخاب می کند که سالم بوده ولی بعد از ازدواج متوجه جنون وی می شود حال چه قبل از ازدواج هم مجنون بوده و از وی مخفی کرده باشند و یا بعد از عقد مجنون شده باشد- چه به صورت ادواری و چه به صورت دائمی- و مثال‌های بسیار از این تعداد... اما بسیاری از مردم فکر می کنند که اگر در موارد اشاره شده در قانون مدنی تقاضای فسخ عقد نکاح را بدهند از پرداخت مهریه معاف می شوند. در صورتی که قانون بر خلاف این عقیده است. ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی اشعار می دارد: «هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهریه ندارد، مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است.» در این ماده اعلام شده که اگر زن باکره باشد در صورت فسخ، مهریه به وی تعلق نمی گیرد مگر اینکه مرد بیماری عنن (ناتوانی جنسی) داشته باشد که در این صورت نصف مهریه به وی تعلق می گیرد. حال اگر زن باکره نباشد هرگونه موارد فسخ اگر شامل زوج شود، باز هم می بایست مهریه زوجه را پرداخت کند. زوجه نیز اگر مطرح کننده دعوی فسخ عقد باشد با توجه به بیماری‌های مندرج در قانون مدنی در صورتی که باکره نباشد می تواند تمام مهریه خود را نیز همراه فسخ نکاح دریافت کند. تنها فرقی که فسخ نکاح با طلاق دارد اینکه اگر زوجه در زمان باکره بودن تقاضای طلاق دهد یا زوج در زمان باکرگی زوجه را مطلقه کند می بایست نصف مهریه پرداخت شود اما در فسخ نکاح اگر زوجه باکره باشد مهریه‌ای به وی تعلق نمی گیرد. اما در صورت عدم بکارت زوجه چه در طلاق و چه در فسخ نکاح هیچ تفاوتی در پرداخت مهریه نیست و تمام مهریه می بایست پرداخت شود. چون بسیاری از افراد به این تصور که چون موارد فسخ نکاح در زوجه آشکار شده قادر هستند که از فسخ نکاح استفاده نمایند و از پرداخت مهریه به زوجه رهایی یابند. در صورتی که فقط باکره بودن زوجه است که موجبات رهایی از پرداخت مهریه را در فسخ نکاح فراهم می کند، اما اگر زوجه باکره نباشد حال اگر مجنون باشد یا بیماری‌های دیگری از قبیل قرن، جذام، برص، افضاء، زمین گیری و نابینایی از هر دو چشم داشته باشد مرد اگر بخواهد نکاح را فسخ کند (با دارا بودن شرایط) می بایست تمام مهریه همسرش را پرداخت نماید. ابتدا به نظر می رسد بهتر است در صورت (عدم بکارت زوجه) زوج همیشه مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی از خواسته طلاق استفاده کند تا از فسخ نکاح و در این باب دیگر نیاز نیست که به بیماری‌های فوق‌الاشعار در دادگاه اشاره نماید، یا اقدام به اثبات تدلیس در دادگاه کند و دلیل ارائه دهد. چون در هر دو حالت می بایست تمام مهریه را پرداخت کند، این موضوع از مفهوم مخالف ماده ۱۱۰۱ برداشت می شود. اما به این راحتی‌ها هم نیست این فقط در باب (مهریه) است. اگر زوجه بخواهد عقد نکاح را فسخ کند در صورت بکارت زوج هیچ مهریه‌ای پرداخت نمی کند و در صورت عدم بکارت زوج تمام مهریه را پرداخت می کند اما در خصوص طلاق اگر زوج بخواهد زوجه را مطلقه نماید در صورت بکارت نصف مهریه و در صورت عدم بکارت ۱- تمام مهریه ۲- اجرت‌المثل ایام زندگی ۳- در صورت دارا بودن شرایط، نصف دارایی ۴- نفقه معوقه و دوران عده را نیز باید همراه مهریه بدهد.

*** وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس ارشد حقوق خصوصی**

حقوق خانواده

استقلال وکلا و چالش‌های پیش‌رو

پروین بختیارنژاد: با برگزاری بیست و چهارمین دوره انتخابات کانون وکلای دادگستری مرکز و انتخاب اعضای هیات مدیره کانون وکلا، دوره جدید مدیریت این نهاد صنفی در روز ۲۲ فروردین به ریاست بهمن کشاورز آغاز شد. همچنان که آرای وکلای دادگستری با ارزیابی فعالیت اعضای سابق هیات مدیره کانون وکلا- که تعدادی از آنها در دوره جدید هم حضور دارند- به صندوق ریخته شده است. انتظارات و خواسته‌های وکلای دادگستری از منتخبین خود عملکرد آینده کانون وکلا را تحت تاثیر خود قرار داده و ملاک داوری مدیران جدید کانون خواهد بود. هر چند که به عنوان توقعات تعدادی از وکلا بیان می شود، تمام خواسته‌های وکلا قلمداد نمی شود. دکتر گودرز افتخارجهرمی مهمترین موضوعات پیش روی کانون وکلا را در تغییراتی که قوه قضائیه در قوانین وکالت اعمال نموده، دانست. وی در ادامه افزود: «کانون وکلا باید در مورد مسائل مربوط به قوه قضائیه و تشکیلات دادگستری مداخله نماید و طرح های پیشنهادی داشته باشد.» کریم بخنوه یکی دیگر از وکلای دادگستری نیز تصریح کرد: «باید از آسیب شناسی یک گروه موازی در قوه قضائیه سخن گفت.» دکتر علی نجفی توانا نیز در این خصوص چنین اظهارنظر کرد: «آنچه در حال حاضر مورد هجمه قرار گرفته، استقلال وکیل است. قوه قضائیه باید بر عملکرد وکلا نظارت کند ولی حق مداخله ندارد. وظیفه قوه قضائیه تدوین قوانین مطابق با شرایط روز، تربیت قاضی و تربیت کادر اداری قوی برای قوه قضائیه است، نه تربیت وکیل.» وی گفت: «طی سفری که به پراگ برای حضور در یک سمینار حقوقی، که از ۱۹۵ کانون وکلا در آن شرکت کرده بودند، داشتم طرح ماده ۱۸۷ برنامه سوم باعث تعجب و حیرت آنها شد.»

■ استقلال وکلا

دکتر امیر حسین آبادی درخصوص استقلال وکلا بر این عقیده است که «استقلال وکلا از جمله موضوعات و دغدغه‌های وکلا صرفاً در کشور ما نیست بلکه در اروپا هم ۱۰۰ سال بحث استقلال وکلا از جمله موضوعات مطرح در متون حقوقی و سیاسی اروپا بوده است. چنانکه ناپلئون می گفت: «اگر می توانستم زبان وکلا را می بریدم.» ولی همگان باید بدانند که وکیل جز اجرای صحیح قانون چیزی نمی خواهد.» محمدحسین جباری‌زاده نیز با تاکید بر استقلال کانون وکلا و قضات محاکم قضایی، استقلال وکلا را امری ذاتی توصیف کرد.

■ جایگاه وکلا در محاکم قضایی

توکلی از وکلای عضو کانون وکلا درخصوص وضعیت وکلا در محاکم قضایی اظهار داشت: «دستگاه قضایی با وکلا سازگاری کافی نداشته است طوری که تصور می شود ما قبل از اینکه رفیق هم باشیم، رقیب هم هستیم.» توکلی با طرح این پرسش که وکلا در دستگاه قضایی چه جایگاهی دارند، افزود: «ما حتی در شعبات دادگاه‌ها جایی برای مطالعه پرونده نداریم.» عبدالفتاح سلطانی عضو سابق هیات‌مدیره کانون وکلا نیز درخصوص حضور وکلا در مراحل دادرسی گفت: «در قوانین ما عنوان شده که حضور وکیل در همه مراحل دادرسی قانونی است مگر زمانی که به تشخیص قاضی حضور وکیل باعث فساد شود.» سلطانی با نقد این ماده قانونی افزود: «چگونه امکان دارد حضور وکیل در برخی مراحل دادرسی باعث فساد شود؟» وی مهمترین وظیفه وکیل را ابراز هشدارهای لازم نسبت به قوانینی دانست که باعث زایل شدن حقوق مردم خواهد شد. این وکیل دادگستری در ادامه مسئولیت وکلا را در کنترل قدرت متراکم قاضی و هشدارهای به موقع به شهروندان از طرف حقوقدانان اعلام کرد. التفات سنایی دیگر عضو کانون وکلا درباره مشکلات وکلا گفت: «چرا یک وکیل به خاطر دفاع از موکلش با مشکلاتی مواجه می شود. در حالی که قاضی باید فردی بی طرف باشد.» وی با ذکر این نکته که من بارها و بارها در حین دفاع از موکلم از جلسه محاکمه اخراج شده‌ام، تاکید کرد که هیات مدیره جدید کانون وکلا باید به جد به حل این مشکلات بپردازد.

نهاد دفاع

خبرها

تشکیل سازمان دفاع از حقوق مسلمانان

ایسنا: در اولین جلسه هیات مدیره جدید کانون وکلای دادگستری مرکز، تشکیل سازمانی متشکل از وکلای مسلمان به منظور دفاع از منافع مسلمانان جهان، کمک به تاسیس کانون وکلای جدید افغانستان و دانشکده حقوق کابل و همچنین تصویب نقاط تفاهم کانون وکلا و قوای سه گانه مورد بررسی قرار گرفت. بهمن کشاورز رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز گفت: در اولین جلسه هیات مدیره کانون وکلا، گزارش دیدار رئیس کانون وکلای سودان از کانون که در عین حال رئیس جامعه وکلای آفریقایی و معاون پارلمانی سودان نیز هست، به اطلاع هیات‌رئیسه رسید و پیشنهاد وی مبنی بر تشکیل سازمانی متشکل از وکلای مسلمان به منظور دفاع از منافع مسلمین جهان و کشورهای اسلامی و همچنین دعوت وی از هیات مدیره مرکز برای دیدار از سودان مطرح شد. وی افزود: با توجه به اطلاعاتی که در مورد تشکیل کانون وکلای افغانستان و نیازمندی‌های دانشکده حقوق کابل به کانون مرکز واصل شده، مقرر شد در این مورد تحقیق و بررسی به عمل آمده و سعی شود کانون مرکز نسبت به شکل گرفتن کانون وکلای جدید افغانستان و دانشکده حقوق کابل که ظاهراً از پایه در حال تاسیس است اقداماتی به عمل آورد. کشاورز همچنین خاطرنشان کرد: در جلسه هیات مدیره کانون تصمیم گرفته شد با سطوح مختلف قوه مقننه، مجریه و قضائیه ارتباط ایجاد و نقاط تفاهم بین کانون وکلا و قوای سه گانه تصویب شود و حتی‌المقدور مسائل و مشکلات احتمالی موجود حل شود. رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز همچنین اظهار داشت: با توجه به این که فراخوان کانون مرکز در خصوص ثبت‌نام تمام وکلا برای حضور در کمیسیون‌های تخصصی کانون و ارگان‌های تخصصی آن تا ۳۱ فروردین ادامه دارد تعیین کمیسیون‌ها و ارگان‌های کانون در این جلسه مورد بررسی قرار نگرفت چون هنوز مه